

راهبردهای ترجمه عناصر فرهنگی در کتاب داستان‌های شهر جنگی

۲۸۵-۳۶

چکیده: رابطه تنگاتنگ زبان و فرهنگ به پدید آمدن مفهومی در خصوص واژه‌ها و عبارات و ترکیب‌هایی انجامیده که در ترجمه پژوهی از آن‌ها با عنوان «عناصر فرهنگی» مختص به جامعه و زبان خاص یاد می‌شود. برگردان این واژگان به‌ویژه در متون ادبی و شعر همواره مشکلاتی را پیش پای مترجمان گذاشته که برای انتقال آنها به تمهیداتی دست زده و از راهبردها و فنونی بهره برده‌اند و ترجمه پژوهان شیوه‌هایی را پیشنهاد داده‌اند. مولینا و آلبیر (۲۰۰۲) ضمن مرور پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، هجده راهبرد را مطرح کرده‌اند که مبنای نظری پژوهش حاضر بوده است. در مقاله حاضر، عناصر فرهنگی کتاب داستان‌های شهر جنگی نوشته حبیب احمدزاده (۱۳۹۰) و ترجمه پل اسپراکمن (۲۰۱۰) استخراج شده و راهبردهای مورد استفاده مترجم در برگردان آن‌ها بر اساس الگوی مولینا و آلبیر بررسی شده است. تعمیم و معادل‌جافتاده پرکاربردترین راهبرد اسپراکمن است و موارد ترجمه غلط و حذف عناصر فرهنگی چندان کم نیست. مطالباتی از این دست به بهبود کار مترجمان و ترجمه‌آموزان و نظریه‌پردازی ترجمه پژوهان می‌تواند یاری برساند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه پژوهی، ترجمه عناصر فرهنگی، راهبردهای ترجمه، داستان‌های شهر جنگی، حبیب احمدزاده، پل اسپراکمن

Strategies for Translating Cultural Elements in the Book A City Under Siege

Hassan Hashemi Minabad

Abstract: The close relationship between language and culture has led to the emergence of a concept regarding special words, phrases, and combinations that are referred to in translation studies as «cultural elements»; the structures which are specific to a particular society and language. The translation of these words, especially in literary texts and poetry, has always been a problem for translators. They have taken measures to translate them and have used strategies and techniques. The experts of translation have suggested methods for translating such elements. Molina and Albir (2002), while reviewing the researches in this field, have proposed eighteen strategies that have been the theoretical basis of the present research. In the present article, the cultural elements of the book A City Under Siege written by Habib Ahmadzadeh (2011) which was translated by Paul Sprachman (2010) are extracted and the strategies used by the translator in translating them based on the model of Molina and Albir are examined. Generalization and omitted equivalents are Sprachman's most widely used strategies, and there are many cases of mistranslation and omission of cultural elements. Such studies can help improve the work of translators and the theorists of translation.

Keywords: Translation Studies, Translation of Cultural Elements, Translation Strategies, A City Under Siege, Habib Ahmadzadeh, Paul Sprachman

أساليب ترجمة العناصر الثقافية في كتاب قصص المدينة الحربية
حسن هاشمي ميناباد
الخلاصة: أدت العلاقة الوثيقة بين اللغة والثقافة إلى ظهور أحد المفاهيم حول المفردات والعبارات والتراكيب، وهو ما يعبر عنه في أبحاث الترجمة بعنوان (العناصر الثقافية) الخاصة بأحد المجتمعات أو اللغات الخاصة. وقد كانت ترجمة هذه المفردات. وخصوصاً في النصوص الأدبية والشعر. من الأمور الصعبة التي تواجه المترجمين دوماً بحيث يتوجب عليهم من أجل ترجمتها أن يقوموا ببعض التمهيدات ويستعينوا بأساليب وفنون معينة، مما دفع الباحثين في شؤون الترجمة إلى تقديم بعض المقترحات لتجاوز هذه المصاعب. وقد أشار مولينا وآلبير (2002) ومن خلال مراجعتهم للبحوث المنجزة في هذا المجال إلى اقتراح ثمانية عشر وسيلة، وهي التي جعلها الكاتب أساساً نظرياً لبحثه الحالي. وفي هذا المقال تم استخراج العناصر الثقافية لكتاب داستان های شهر جنگی (= قصص المدينة الحربية) من تأليف حبيب أحمد زاده (1390) وترجمة باول اسپراکمن (2010)، ومن ثمّ مراجعة الأساليب التي استفاد منها المترجم في ترجمة تلك العناصر وفقاً لنموذج مولينا وآلبير. وكان التعميم واستعمال المعادل المتعارف المقبول هو أكثر وسائل اسپراکمن استعمالاً، كما لم تكن موارد الترجمة الخاطئة وحذف العناصر الثقافية بالموارد القليلة. والدراسات من هذا النوع يمكن أن تساعد في الارتقاء بعمل المترجمين ودارسي الترجمة والبحوث النظرية لمحققي الترجمة. المفردات الأساسية: أبحاث الترجمة، ترجمة العناصر الثقافية، أساليب الترجمة، داستان های شهر جنگی (= قصص المدينة الحربية)، حبيب أحمد زاده، باول اسپراکمن.

مقدمه

ترجمه ادبی و شعر چالش‌های زیادی در بر دارد؛ به ویژه وقتی که عناصر فرهنگی خاص جامعه‌ای در آن زیاد و جنبه‌های فرهنگی در آن قوی تر باشد. مترجمان راهبردها و فونونی را برای ترجمه این اقلام خاص به کار گرفته و صاحب نظران ترجمه و ترجمه پژوهان شیوه‌های گوناگونی را پیشنهاد داده و بررسی کرده‌اند. زبان و فرهنگ رابطه تنگاتنگی با هم دارند که به صورت واژه‌ها و عبارات‌های فرهنگی خاص هر زبان متبلور می‌شود. زبان‌ها و فرهنگ‌ها قالب‌های ویژه خود را دارند که باعث می‌شود مترجمان در انتقال عناصر فرهنگی از زبانی به زبان دیگر دچار چالش‌هایی شوند و در نتیجه برای از میان برداشتن مشکلات و حل و فصل اختلاف‌های زبانی تمهیداتی بیندیشند و راهبردهایی را به کار گیرند.

از دهه ۱۹۶۰ میلادی ترجمه پژوهی نظام‌مند شد و به صورت یک رشته منسجم با سازوکارهای نسبتاً مشخص درآمد. صاحب نظران این رشته مسائل عناصر فرهنگی خاص هر جامعه و زبان در انتقال به جامعه و زبان دیگر و شیوه‌ها و تمهیدات لازم در برگردان آنها را بررسی کردند و مدل‌ها و نظریه‌هایی پیشنهاد دادند. در مقاله حاضر عناصر فرهنگی کتاب داستان‌های شهر جنگی نوشته حبیب احمدزاده و برگردان پل اسپراکمن، ترجمه آنها و استراتژی‌های اسپراکمن بر اساس دسته‌بندی هجده‌گانه مولینا و آلبیر بررسی می‌شود، اما ابتدا فرهنگ و عناصر فرهنگی خاص هر جامعه و پیشینه راهبردهای پیشنهادی در ترجمه این اقلام مطرح و راهبردهای مولینا و آلبیر شرح داده می‌شود.

طرح مسئله

آشنایی با راهبردهای مترجمان در برگردان عناصر فرهنگی، تعمق در آنها و شناساندن آنها به ترجمه‌آموزان، مترجمان، دانشجویان و صاحب نظران و دست‌اندرکاران ترجمه نقش مؤثری در شناخت ماهیت ترجمه و رفع مشکلات ترجمه این اقلام دارد. این عناصر مترجم را با چالش‌هایی جدی روبرو می‌کنند. هر قدر تفاوت‌های فرهنگی بیشتر باشد، سختی‌های برگردان این واژگان هم افزایش می‌یابد. ترجمه‌آموز با دست‌مایه‌ای که از مطالعه راهبردهای دخیل در برگرداندن آنها به دست می‌آورد، می‌تواند برگردان مطلوبی ارائه دهد و ارتباط بین‌زبانی و بین‌فرهنگی را تسهیل کند. ترجمه پژوهان نیز با ژرف‌نگری در تمهیدات مترجمان می‌توانند نظریه پردازی کنند و در پیشبرد دانش ترجمه پژوهی مؤثر واقع شوند. در این مقاله می‌خواهیم مشخص کنیم اسپراکمن در ترجمه عناصر فرهنگی داستان‌های شهر جنگی از چه راهبردهایی سود برده و پربسامدترین و مؤثرترین آنها کدام‌ها هستند.

روش تحقیق

این مقاله با روش توصیفی - تفسیری فراهم شده و تحقیق از نوع کتابخانه‌ای بوده است. ابتدا

واژه‌های فرهنگی متن اصلی استخراج و ثبت شد. آنگاه با مقایسه ترجمه با متن اصلی، معادل‌ها و برابرانهادهای مترجم شناسایی شدند. سپس جدولی فراهم آمد. راهکارهای ترجمه عناصر فرهنگی پیشنهادی مولینا و آلبیر درباره هر یک از ترجمه‌های واژگان فرهنگی متن اصلی تعیین شد و در نهایت تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری صورت گرفت.

مواد پژوهشی

پیکره مورد بررسی در مقاله حاضر کتاب داستان‌های شهر جنگی نوشته حبیب احمدزاده است که پل اسپراکمن آن را با عنوان A City Under Siege به انگلیسی ترجمه کرده است. واژگان فرهنگی این کتاب و راهکارهای ترجمه آنها موضوع بحث این گفتار است.

پرسش‌های پژوهش

این مقاله به منظور پاسخ به پرسش‌های زیر تدوین شده است:

۱. مترجم (پل اسپراکمن) از چه راهبردهایی برای ترجمه عناصر فرهنگی داستان‌های شهر جنگی استفاده کرده است؟
۲. پرکاربردترین راهبردهای مترجم در ترجمه عناصر فرهنگی داستان‌های شهر جنگی کدام‌ها هستند؟
۳. کدام راهبرد بهترین ابزار ترجمه عناصر فرهنگی است؟

فرهنگ و عناصر فرهنگی

مردم فرهنگ‌های مختلف، دنیاهای متفاوتی دارند و هیچ زبانی مشابه زبان دیگر نیست. حتی در بین زبان‌ها و فرهنگ‌های مجاورتی که ریشه‌های مشترکی دارند، تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد. این تفاوت‌ها در واژگان زبان‌ها منعکس می‌شوند و وقتی مشکل‌ساز می‌شوند که اهل دو زبان می‌خواهند با هم ارتباط برقرار کنند و گسترده‌ترین شکل ارتباط بین‌زبانی همانا ترجمه است.

فرهنگ را از دیدگاه‌های گوناگونی مثل جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی، مطالعات فرهنگی و ادبیات می‌توان تعریف کرد. تعریف فرهنگ مقوله پیچیده‌ای است که در حوزه بحث مقاله حاضر نمی‌گنجد، اما چون در اینجا سخن از ترجمه است، دو تعریف از دو ترجمه‌شناس را می‌آوریم: مجموعه‌ای از اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و قواعد و ضوابطی که مشترک بین گروهی از مردم است. (لارسون ۱۹۹۷: ۱۳۱)

روش زندگی و تجلیات آن که مختص جامعه‌ای است که از زبان خاصی برای بیان افکار خود استفاده می‌کند. (نیومارک ۱۹۸۸: ۴۴)

عناصر یا اقلام فرهنگی ویژه هر زبان عبارت‌اند از واژگان یا مفاهیم فرهنگی مختص آن زبان یا جامعه. «واژه‌های فرهنگی اقلامی هستند که به مفاهیم، پدیده‌ها، روابط، ابزارها و به طور کلی جنبه‌های مادی و معنوی جامعه‌ای خاص مربوط می‌شوند و مقید به فرهنگ خاصی هستند» (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۱۲۷)، بر فرایندها یا ماهیت‌های غیرزبانی دلالت می‌کنند و عموماً معادل مستقیمی در زبان مقصد ندارند.

عناصر فرهنگی عنوان‌های مختلفی نزد پژوهشگران یافته‌اند که معروف‌ترین آنها اقلام فرهنگ وابسته یا مقید به فرهنگ^۱ (آیکسلا ۱۹۹۷)، مفاهیم فرهنگ وابسته^۲ (مونا بیکر ۲۰۱۱)، پدیده‌های فرهنگ وابسته^۳ (رابینسون ۱۹۷۷) و واژه‌های فرهنگی خارجی^۴ (نایدن و تیبر ۱۹۶۵) است. کریستیانه نورد (۱۹۷۷) و رایس و ورمیر (۱۹۸۴) از اصلاح فرهنگ بن^۵ استفاده کرده‌اند. پدرسن اصطلاح طولانی مصداق‌های فرازبانی فرهنگ وابسته^۶ را به کار می‌گیرد. عناصر مختص فرهنگی^۷ نیز برای این مفهوم به کار می‌رود. به گفته پالومبو (۲۰۰۰) realia در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان برای این مفهوم به کار می‌رود. البته در منابع انگلیسی هم این اصطلاح به چشم می‌خورد. در اینجا «عناصر فرهنگی» را به دلیل سادگی و سراسر بودن آن به کار می‌بریم.

برخی از این عناصر عبارت‌اند از:

• واحدهای اندازه‌گیری و مقیاس‌ها

• سازمان‌ها و نهادها

• سرگرمی‌ها، بازی‌ها و تفریحات

• جشن‌ها و عزاها و مناسبت‌ها

• آموزش و پرورش

• اشخاص: واقعی، داستانی و تخیلی، لقب اشخاص و مکان‌ها (شمع دزد لقب طنزآمیز برای مردم شهرهای مذهبی)

ترجمه عناصر فرهنگی از جمله سخت‌ترین مواردی است که مترجمان را با چالش‌های فراوانی مواجه می‌کند، به طوری که پدرسن (۲۰۰۵) برگردان آنها را «نقاط حیاتی حساس ترجمه» می‌خواند؛ نقاط عطفی که مترجم باید تصمیمات دشواری بگیرد.

1. culture-specific items.
2. culture-specific concepts.
3. culture-specific/bound phenomena.
4. foreign cultural words.
5. Cultrume.
6. extralinguistic culture-bound references.
7. culturally-marked segments.

دسته بندی واژگان فرهنگی

۱. نیومارک (۱۹۹۸:۹۵) واژگان فرهنگی را در پنج مقوله دسته بندی کرده و البته از طبقه بندی نایدا و تیبیر (۱۹۸۲) هم سود برده است. مقولات نیومارک عبارت اند از:
 ۱. بوم شناسی: گیاهان و جانوران، بادها، دشت ها، جلگه ها
 ۲. فرهنگ مادی (دست ساخته های بشر): خوراک، پوشاک، خانه ها و شهرها، وسایل نقلیه
 ۳. فرهنگ اجتماعی: کار، تفریحات، سرگرمی ها
 ۴. سازمان ها و نهادهای اجتماعی: آداب و رسوم، فعالیت ها، رفتارها و اعمال، امور سیاسی و اداری
 - دین و مذهب، هنر.
 ۵. حرکات و سکنات و زبان بدن و عادات رفتاری

آیکسلا (۱۹۹۷) عناصر فرهنگی را به دو دسته واژگان و اعلام تقسیم می کند. اعلام عبارت اند از: اسم خاص اشخاص یا مکان ها چه واقعی و چه داستانی و تخیلی، آثار ادبی و هنری و جز آن. صدری افشار و همکاران (۱۳۹۶) اعلام را چنین دسته بندی کرده اند:

.کشورها، پایتخت ها، شهرها، استان ها، روستاها...

. اثرهای باستانی

. عارضه های طبیعی (دریاها، کوه ها، رودها، دریاچه ها...)

. نهادها

. رویدادهای تاریخی

. جشن ها

. اثرهای هنری [و ادبی]

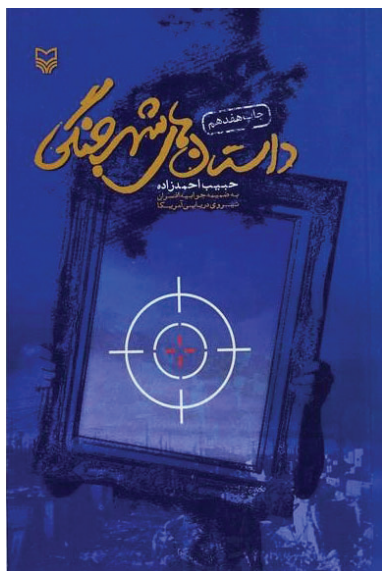
. روزهای تاریخی

. [اسم اشخاص] شاعران، نویسندگان، هنرمندان، دانشمندان، سرداران، رهبران سیاسی و ...

. اسطوره ها

منظور از واژگان فرهنگی در دسته بندی آیکسلا کلمات معنادار یا قاموسی به غیر از اعلام هستند. تفاوت واژگان فرهنگی و اعلام در زبان های اروپایی این است که حرف اول اعلام با حروف کاپیتال شروع می شود، در حالی که واژگان فرهنگی با حروف معمولی نوشته می شوند، مگر اینکه در آغاز جمله قرار گیرند.

مشکل عناصر فرهنگی در ترجمه غالباً وقتی پیش می آید که برابر یا معادلی در زبان مقصد نمی توان برای آنها پیدا کرد. بعضی از این عوامل بازدارنده ممکن است زبانی و برخی دیگر غیرزبانی باشند و به تفاوت های فرهنگی مربوط شوند. در ترجمه عناصر فرهنگی گاهی تفاوت های زبانی نیز مزید بر علت



می شوند. واژه زبان مبدأ ممکن است مفهومی را بیان کند که در زبان مقصد کاملاً ناشناخته است. این واژه امکان دارد انتزاعی باشد یا مربوط به پدیده‌های فیزیکی و مادی، به اعتقادات دینی مربوط باشد، رسم و جشن و عزایی باشد یا حتی غذا باشد. (مونا بیکر، ۱۸:۲۰۱۱) privacy (زندگی خصوصی، امور شخصی) را با حفظ تمام مؤلفه‌های معنایی آن در زبان انگلیسی نمی‌توان به راحتی به فارسی ترجمه کرد. speaker (سخنگو) مثلاً درباره مجلس عوام انگلستان عضوی است برابر با دیگر اعضای آن مجلس که فقط نقش سخنگویی را به عهده دارد، ولی رئیس مجلس در ایران اختیارات بسیار وسیعی دارد و جزء سران سه قوه است. بنابراین رئیس مجلس را نمی‌توان به speaker یا بر عکس ترجمه کرد. breakfast nook گوشه‌ای است از آشپزخانه یا نزدیک آشپزخانه برای صرف صبحانه و غذاهای سبک که ما در ایران نداریم. این گونه واژه‌ها یا در زبان مقصد وجود ندارد یا ارزش آنها

متفاوت با واژه زبان مبدأ است. در چنین مواردی زبان مقصد فاقد معادل دقیق و سراسر است و مترجم به ناچار خود واژه زبان مبدأ را به قرض می‌گیرد یا به معادل تقریبی پناه می‌برد، ... «مترجم در برگردان این گونه واژگان در زبان دیگر با خلأ واژگانی یا ارجاعی روبرو می‌شود». (هاشمی میناباد، ۱۲۷: الف ۱۳۹۶)

پیشینه بررسی عناصر فرهنگی و راهبردهای ترجمه آنها

آنچه در اینجا تسامحاً به دلیل آموزشی، راهبرد یا استراتژی نامیده‌ایم با عناوین تدبیر، راهبرد، راهکار یا استراتژی strategy، فن یا تمهید technique، شیوه یا روش method، رویه یا روال procedure یاد می‌شود. اگرچه مولینا و آلبر بین method، strategy و technique تمایز روشنی برقرار می‌کنند. اغلب منابعی که درباره این موضوع صحبت کرده‌اند، مشکل «اغتشاش اصطلاح‌شناختی»^۸ و التباس در کاربرد این واژگان را متذکر شده‌اند، اما همچنان اجماعی در کاربرد این اصطلاحات چه در سطح زبانی و چه در سطح سنت‌های ترجمه پژوهی و کشورها در کار نیست.

وینی و داربلنه (۱۹۵۸) آغازگر بررسی فنون ترجمه بودند. نایدا (۱۹۶۴) و نایدا و تیپر (۱۹۶۹) ضمن بحث عناصر فرهنگی، راهکارها و فنونی را با عنوان شیوه‌های انطباق برای برگردان آنها مطرح کردند. پیتر نیومارک (۱۹۸۸) عناصر فرهنگی را دسته‌بندی کرد و راهبردهای ویژه ترجمه آنها را از دیگر روش‌ها متمایز کرد. ژان دلایل (۱۹۹۳) تغییراتی در پیشنهاد‌های وینی و داربلنه صورت داد. ایکسلا (۱۹۹۷)

8. morphological confusion.

تحقیقات پیشین را جمع بندی کرد و صورت بندی نوینی را به دست داد. جامع ترین و مفصل ترین بررسی راهبردها و استراتژی های ترجمه را جوزف مالون در کتاب دانش زبان شناسی در هنر ترجمه انجام داده است. این کتاب ثقیل است و تقسیم بندی های آن بسیار پیچیده، به گونه ای که میان ترجمه پژوهان دشواری آن بدآوازه شده است.

اندرو چسترمن (۲۰۰۰: ۸۹ - ۱۰۸) راهبردها را به سه نوع تقسیم می کند: دستوری / نحوی، معناشناختی و منظورشناختی.^۹ راهبردهای نحوی اگر صورت را دستخوش دگرگونی می کنند و راهبردهای معناشناختی معنا را، می توان گفت که راهبردهای منظورشناختی در خود پیام تغییر ایجاد می کنند. هر یک از این گروه استراتژی ها ۱۰ زیرمجموعه دارد.

راهبردهای نحوی: ترجمه لفظی، گزیده برداری، تغییر مقوله دستوری، تغییر واحد، تغییر ساختار گروه^{۱۰} (اسمی، صفتی، فعلی...)، تغییر ساختار جمله واره یا بند،^{۱۱} تغییر ساختار جمله، تغییر انسجام درونی^{۱۲} (که بر ارجاعات درون متنی، حذف به قرینه، جایگزینی ضمیر و تکرار به قصد ایجاد تأثیر بلاغی، تأثیر می گذارد)، تغییر سطح زبان، تغییر طرحواره بلاغی (مانند واج آرای، ساختارهای متوازن^{۱۳} و وزن عروضی...).

راهبردهای معناشناختی: ترادف (استفاده از معادلی که مترادف یا شبه مترادف معادل صریح و دقیقی است که باید به کار می رفت)، تضاد (کاربرد واژه متضاد همراه با یک عنصر منفی ساز، شمول معنایی^{۱۴} (تعمیم، تخصیص، کاربرد یک واژه عام به جای واژه عام دیگر)، متضادهای دوگانه^{۱۵} (مانند خرید و فروش، داد و ستد)، تغییر واژگان انتزاعی به واژگان ملموس یا بر عکس، توزیع مؤلفه های معنایی^{۱۶} (قراردادن مؤلفه های واحدی در جاهای دیگر به شکل گسترش یا فشرده سازی)، تغییر تأکید، دگرگفت یا پارافریز، تغییر مجاز^{۱۷} و صنایع بیانی و معنایی و تغییرات معنایی دیگر.

راهبردهای منظورشناختی: صافی گذاری فرهنگی^{۱۸} (کاربرد تمهیداتی مانند مشابه سازی، بومی سازی، طبیعی سازی، بیگانه سازی، وام گیری)، تغییر صراحت (تصریح یا تلویح و پوشیده گویی، تغییر

9. Pragmatic.

10. Phrase.

11. Clause.

12. Cohesion.

13. Parallelism, parallel structures.

14. Hyponymy.

15. Converses.

16. Semantic components.

17. Trope.

18. Cultural filtering.

اطلاعات (افزودن اطلاعات لازم برای خواننده زبان مقصد که در متن اصلی نیست یا حذف اطلاعات نالازم و غیرضروری برای خواننده زبان مقصد)، تغییر رابطه بینافردی میان متن، نویسنده و خواننده (تغییر درجه رسمیت، برانگیختگی عاطفی و رابطه بین متن و خواننده؛ میزان کاربرد اصطلاحات فنی و تخصصی...)، تغییر کنش یا کردار زبانی^{۱۹} (معمولاً در ارتباط با دیگر راهبردها عمل می‌کند، برای مثال تبدیل وجه خبری به پرسشی و تبدیل جمله خبری به درخواست، استفاده از پرسش بلاغی و عبارات عاطفی و تعجبی)، تغییر انسجام منطقی^{۲۰} مربوط به آرایش اطلاعات در سطح اندیشه‌پردازی، ترجمه غیرکامل^{۲۱} (مانند ترجمه ملخص یا چکیده، حرف نویسی)، پیدایی^{۲۲} یا ناپیدایی مترجم (درجه حضور مترجم در اثر، دخالت آشکار او یا برجستگی نقش او از رهگذر مقدمه و پانویس و توضیحات دیگر)، ویرایش / تنقیح متن اصلی^{۲۳} و دیگر تغییرات منظورشناختی (تغییر در آرایش مطالب در متن، انتخاب لهجه و گویش مثلاً گویش بریتانیایی یا آمریکایی).

دبلیو. ادوارد گلنی در معنایابی در متن: فنون ترجمه و یزدان شناسی در ترجمه هفتاده کتاب عاموس نبی این موضوع را در ترجمه تورات بررسی کرده است. هاشمی میناباد (۱۳۹۶ب) بر اساس مجموعه‌ای از نوشته‌های ترجمه پژوهان، در بخش دوم رشته مقالات ابزارهای مفهومی نقد ترجمه، با عنوان «فنون و راهبردها: تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها» تعداد ۵۴ راهبرد و استراتژی را همراه با مثال‌هایی از کاربرد آنها معرفی کرد. آنتونی پیم در تحقیقات اخیرش که در کتاب راه حل‌های ترجمه‌ای برای بسیاری از زبان‌ها (۲۰۱۴) به اوج خود رسید، از اصطلاح «راه حل ترجمه‌ای» به جای این مفهوم استفاده کرده است. به اعتقاد او رده‌شناسی‌های پیشین بر پایه مقایسه متون، یعنی راه حل‌های به کار گرفته شده استوارند، نه تحلیل فرایندهای شناختی دخیل در ترجمه. پیم الگوی خود را برای مقاصد آموزشی طراحی کرده است.

چهارچوب نظری

مولینا و آلبیر (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی دوباره به فنون ترجمه: رویکردی پویا و کارگردگرا» پس از بررسی پیشینه مطالعاتی در زمینه راهبردها و فنون و شیوه‌های ترجمه هجده راهبرد را پیشنهاد می‌کنند که مبنای نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. آنها الگوی خود را در مطالعه عناصر فرهنگی ترجمه عربی صد سال تنهایی نوشته گابریل گارسیا مارکز آزموده‌اند. الگوی مولینا و آلبیر به این دلیل انتخاب شد که هم جدید است و هم پس از بررسی، مقایسه و ارزیابی راهکارهای پیشنهادی

19. Illocutionary.

20. Coherence.

21. Partial translation.

22. Visibility.

23. Transediting.

پژوهشگران پیشین صورت گرفته است. مزیت دیگر راهکارهای آنها گسترده بودن تعداد موارد است که می‌توان با آنها پدیده‌های بیشتری را در ترجمه با دقت بیشتری تحلیل کرد. دیگر اینکه آنها به عناصر فرهنگی متون دینی هم توجه کرده‌اند که متن مورد بررسی مقاله حاضر هم نمونه‌هایی از چنین واژگانی دارد. گذشته از این، آنها که اسپانیایی هستند به تحلیل واژگان فرهنگی عربی که ارتباط دیرینه‌ای با فارسی دارد نیز پرداخته‌اند.

طرح پیشنهادی مولینا و آلبیر برای دسته‌بندی راهبردهای عناصر فرهنگی

مولینا و آلبیر پس از مرور راهبردها و فنون و شیوه‌های ترجمه واژگان فرهنگی که پیش از آنها مطرح شده، راهبردهای زیر را پیشنهاد می‌دهند. مولینا قبل از ارائه این فنون، آنها را در پایان نامه خود در دانشگاه بارسلون به محک گذاشته و نقاط ضعف و قوت روش خود را سنجیده است. راهبردهای مولینا و آلبیر عبارت‌اند از:

۱. مشابه‌سازی:^{۲۴} جانشین کردن عنصر زبان مبدأ با عنصری از فرهنگ مقصد. در آغاز ورود اسلام به ایران، نماز فارسی جایگزین صلوة عربی شد.

۲. شرح و بسط:^{۲۵} افزودن جزئیاتی که در متن اصلی وجود ندارد، برای مثال اگر بعد از نوشتن Ramadan با حروف انگلیسی، این توضیح را اضافه کنیم: The Muslim month of fasting.

۳. وام‌گیری:^{۲۶} قرض گرفتن مستقیم واژه یا عبارت از زبان مبدأ. این وام‌گیری ممکن است عیناً باشد، مانند سیستم یا تغییرات آوایی و واژگانی در عنصر قرض گرفته انجام شود، مانند کالاشینکو / Kalashnikov که در فارسی به کلاشینکف تبدیل شده است. «ی» صفت ساز را به برخی از صفاتی که از فرانسوی و انگلیسی به وام گرفته‌ایم اضافه کرده‌ایم و مثلاً «تکنولوژیکی» ساخته‌ایم.

۴. گزیده برداری یا ترجمه فرضی:^{۲۷} ترجمه تک‌تک عناصر ترکیب زبان مقصد. «مواد اولیه‌ای که برای این نوسازی به کار برده می‌شود، در زبان بومی موجود است، ولی الگوی ترکیب از زبان دیگری گرفته می‌شود». (باطنی، ۱۳۷۳: ۹۷) از روی عبارت brainwashing «مغزشویی» را ساخته‌ایم.

۵. جبران:^{۲۸} وقتی یک صنعت و آرایه ادبی را در جایی نمی‌توان به دلایلی ترجمه کرد، به جبران آن در همان جا یا در جای دیگری صنعت ادبی دیگری را به کار می‌بندیم. «دلایل این اتلاف مختلف است، از جمله تفاوت‌های زبانی و سبکی. برای مثال تفاوت‌های ظریف بین گفتن، فرمودن، عرض کردن

24. Adaptation.

25. Amplification.

26. Borrowing.

27. Calque.

28. compensation.

و فرمایش کردن و نیز ضمیر «شما» در خطاب به یک نفر و نه در خطاب به جمع و بیش از یک نفر در ترجمه به انگلیسی از بین می‌رود. مترجم این آفت واژگانی و منظورشناختی را می‌تواند با استفاده از واژه‌ها و عبارات و ساختارهای دیگر انگلیسی جبران کند تا همان درجه رسمیت حفظ شود.» (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶، ب: ۲۶۵)

۶. توصیف:^{۲۹} آوردن اصطلاح یا عبارتی برای توصیف شکل یا کارکرد و نقش عنصر فرهنگی زبان مبدأ. مفهوم و منظور عنصر زبان مبدأ در قالب چند واژه توصیف می‌شود، برای مثال به جای panettone می‌نویسیم: «کیک سنتی ایتالیایی که در شب سال نو می‌خورند».

۷. واژه‌سازی موقتی:^{۳۰} آوردن یک معادل موقتی که شاید در همان بافت بتوان آن را رفع و رجوع کرد، ولی معادل قطعی نیست و در موارد دیگر نمی‌توان آن را به کار برد.

۸. معادل جاافتاده:^{۳۱} استفاده از اصطلاح یا عبارتی که در فرهنگ‌های لغت یا در کاربرد مردم به عنوان معادل عنصر فرهنگی زبان مبدأ پذیرفته و تثبیت شده است. با وجودی که procrastination در اصطلاح روان‌شناسی به معنی اهمال‌کاری و مسامحه است، «تنبلی» به عنوان معادل آن در میان مترجمان عمومی و غیرمتخصص و مردم پذیرفته شده است.

۹. تعمیم:^{۳۲} استفاده از واژه و اصطلاح عام‌تر به جای عنصر فرهنگی زبان مبدأ یا کاربرد عنصری که خنثی است و مثلاً بار معنایی و فرهنگی و کاربردی عنصر زبان مبدأ را ندارد. برای guichet، fenetre و devanture که انواع خاصی از پنجره در فرانسوی هستند، تنها یک معادل «پنجره» داده می‌شود. این راهبرد متضاد تخصیص است.

۱۰. شرح و بسط زبانی:^{۳۳} افزودن عناصر زبانی، به‌ویژه در ترجمه شفاهی. تعداد اقلام معادل بیشتر از تعداد اقلام عنصر زبان مبدأ باشد، برای مثال no way را چنین ترجمه کنیم: به هیچ وجه من الوجوه.

۱۱. فشرده‌سازی زبانی:^{۳۴} بر عکس مورد قبلی است. تعداد اقلام معادل کمتر از تعداد اقلام عنصر زبان مبدأ است. علاوه بر این مترجم اطلاعاتی که به نظرش غیرضروری و حشو و نالازم‌اند، برای جلوگیری از تکرار نابجا در زبان مقصد کوتاه‌تر می‌کند. فشرده‌سازی معمولاً به منظور هر چه طبیعی‌تر کردن زبان ترجمه به کار می‌رود.

29. Description.

30. discursive creation.

31. recognized translation.

32. Generalization.

33. linguistic amplification.

34. linguistic compression.

۱۲. ترجمه لفظی:^{۳۵} ترجمه واژه به واژه.

۱۳. تغییر شیوه بیان یا زاویه دید:^{۳۶} تغییر نگرش، کانون توجه یا مقوله شناختی نسبت به زبان مبدأ. به عبارت دیگر، قالب و طرز بیان در زبان مقصد عوض می شود. پیام زبان مبدأ در قالب و چهره دیگری عرضه می شود. به تفاوت شکلی جمله انگلیسی زیر و ترجمه فارسی آن دقت کنید:

This new plane seats ۴۰۰ passengers.

ظرفیت این هواپیمای جدید ۴۰۰ نفر است.

It's heavy on petrol.

مصرف بنزینش زیاد است.

(هاشمی میناباد، ۲۳۱: ۱۳۹۶ ب)

۱۴. کاهش / حذف:^{۳۷} حذف عنصر زبان مبدأ، معمولاً حذف عناصر کم اهمیت. در صورتی که معنای واژه ای در روال کلی متن چندان مهم نباشد و از طرف دیگر ترجمه آن به دلیل نبودن معادل در امر ارتباط اخلاص ایجاد کند، می توان آن را حذف کرد، به شرط آنکه نقش مهمی در درک مطلب نداشته باشد. بدیهی است عناصر مهم و کلیدی قابل حذف نیستند و این تمهید نباید بهانه ای به دست مترجم بدهد که هر جا خود را ناتوان دید یا تنبلی کرد یا تعجیل داشت، به آن متوسل شود.

۱۵. تعویض:^{۳۸} تبدیل عنصر غیرزبانی به عنصر زبانی یا بر عکس. مترجم عنصری را جانشین واحد واژگانی زبان مبدأ می کند که تفاوت هایی با آن دارد یا صریح ترین و مستقیم ترین معادل آن نیست، برای مثال وقتی کسی دستش را روی سینه اش به نشانه تشکر می گذارد، مترجم آن را به Thank you ترجمه می کند. راهبرد اخیر بیشتر در ترجمه شفاهی و دوبله و زیرنویس فیلم ها دیده می شود.

۱۶. تغییر مقوله دستوری:^{۳۹} تبدیل مقوله دستوری عنصر زبان مبدأ به مقوله دستوری دیگری در زبان مقصد، برای مثال soon (قید) را به «دیری نگذشت که» (جمله واژه) تبدیل کنیم، یا صحیح تر بگوییم / بگوییم، صحیح تر اینکه / rather /adv. (محمد رضا جعفری، ۱۳۹۵)

۱۷. تخصیص:^{۴۰} استفاده از واژه و اصطلاح خاص تر در مقابل عنصر فرهنگی زبان مبدأ. این راهبرد متضاد تعمیم است.

35. literal translation.

36. Modulation.

37. Reduction.

38. Substitution.

39. Transposition.

40. Particulation.

۱۸. تغییر گونه زبانی: تغییر عناصر زبانی یا فرازبانی مانند آهنگ کلام، زبان بدن و حرکات و سکنات که بر جنبه‌هایی از ژانر یا گونه زبانی تأثیر می‌گذارد، تغییر لحن، سبک، لهجه اجتماعی یا جغرافیایی و ...، برای مثال به منظور تغییر دادن ویژگی‌های شخصیتی افراد در ترجمه نمایش یا وارد کردن این ویژگی‌ها یا انجام دادن همین کار در اقتباس رمان کودکان و نوجوانان. متأسفانه مولینا و آلبیر در این مورد توضیح گنگی داده و مثالی هم نزنده‌اند. فرناندز گوئرا (۲۰۱۲: ۱۲) تفاوت سیاق را از این راهبرد آنها تعبیر کرده است.

یافته‌ها

عناصر فرهنگی کتاب داستان‌های شهر جنگی، ترجمه‌ها و راهبردهای ترجمه اسپراکمن در جدول پیوست این مقاله آمده است، اما جدول زیر یافته‌های پژوهش حاضر را از نظر نوع، تعداد و درصد راهبردهای اسپراکمن نشان می‌دهد.

جدول تعداد وقوع و درصد راهبردهای اسپراکمن

| راهبرد اسپراکمن | تعداد وقوع | درصد |
|------------------|------------|-------|
| مشابه‌سازی | ۵ | ۶/۷۵ |
| شرح و بسط | ۲ | ۲/۷ |
| وام‌گیری | ۷ | ۹/۴۵ |
| معادل جاافتاده | ۱۱ | ۱۴/۸۶ |
| تعمیم | ۱۴ | ۱۸/۹۱ |
| شرح و بسط زبانی | ۳ | ۴/۰۵ |
| فشرده‌سازی زبانی | ۲ | ۲/۷ |
| ترجمه لفظی | ۹ | ۱۲/۱۶ |
| تغییر شیوه بیان | ۴ | ۵/۴ |
| کاهش | ۱۳ | ۱۷/۵۶ |
| جمع کل | | ۹۴/۵۴ |

تعمیم با ۱۸/۹۱ درصد وقوع، پربسامدترین راهبرد اسپراکمن در ترجمه داستان‌های شهر جنگی است. این امر ممکن است دو دلیل داشته باشد: زبان انگلیسی فاقد معادل نزدیک یا جاافتاده باشد یا مترجم زحمتی در یافتن معادل‌های مناسب‌تر به خود نداده باشد.

کاهش یا حذف، دومین راهبرد پربسامد اسپراکمن در ترجمه اقلام فرهنگی است (۱۷/۵۶ درصد).

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، مترجمان معمولاً عناصر کم‌اهمیت را حذف می‌کنند. از قلم انداختن ۱۳ مورد از ۷۴ مورد داده‌های ما موضوع ساده و پیش‌پاافتاده‌ای نیست، آن هم حذف عناصر فرهنگی که بسیاری از آنها در متن اصلی مهم و معنادارند. برای مثال: غیبت کردن (ص ۲۹) گناهی است که نباید از فرد مؤمن انقلابی سربرزند. آقا در آقامهندس (ص ۶۸ و ۶۹) کنایی است و از تعریض به شخصیت داستانی حکایت دارد. ناموس (ص ۷۴) و غیرت برای ایرانی جماعت از ارزش‌والایی برخوردار است.

معادل جاافتاده با ۱۴/۸ درصد وقوع نشان می‌دهد که زبان انگلیسی در این موارد توانسته است پیوندی با فرهنگ ایرانی-اسلامی برقرار کند. فراوانی ترجمه لفظی، ۱۶/۱۲ درصد، معنادار است.

وام‌گیری واژگانی با ۹/۴۵ درصد وقوع نشان می‌دهد که روابط زبانی و فرهنگی بین فارسی و انگلیسی از دیرباز به این پدیده راه داده است. البته این وام‌گیری در مواردی تازه است، مانند Basij که بعد از انقلاب وارد متون انگلیسی شده است.

در کتاب داستان‌های شهر جنگی اسم‌های خاص اشخاص و مکان‌ها دیده می‌شود که وام‌گیری و حرف‌نگاری (ثبت با املاي انگلیسی) شده‌اند. از آنجا که در این موارد عمدتاً با حرف‌نویسی مستقیم یا با اندک تغییری نسبت به تلفظ فارسی (مثلاً تبدیل بصره به Basra) از روی تلفظ عربی و قدیمی آن (ص ۱۰) انتقال داده شده‌اند، آنها در جدول راهبردهای اسپراکمن وارد نشده‌اند، اما مواردی را مثل تلمیح «حُرّ» (ص ۹۲). دشمن امام حسین (ع) که پشیمان شد و در راه امام به درجه رفیع شهادت نائل آمد. که نقش تعیین‌کننده‌ای در مضمون داستان داشت، جزء داده‌های پژوهشی قرار دادیم.

«ترجمه غلط» موردی نیست که در راهبردهای مولینا و آلبیر آمده باشد. اسپراکمن در مواردی غلط محض دارد، برای مثال عمّه را به my mother's sister (خاله) ترجمه کرده و بدیهی است که بنده خدا a beggar (گدا) نیست، اما در مواردی از این ترجمه‌های غلط، از یک راهبرد استفاده شده، برای مثال نارفتی را به روش ترجمه لفظی به non-friend برگردانده است. در نتیجه، این مقوله را هم در جدول راهبردهای ترجمه عناصر فرهنگی اسپراکمن گنجانده‌ایم؛ چون اسپراکمن یک عنصر فرهنگی را نتوانسته ترجمه کند و اینکه در ترجمه غلط آن به یک راهبرد متوسل شده است.

مثالی از برخی راهبردهای مولینا و آلبیر در ترجمه اسپراکمن مشاهده نشد، مانند گرت‌برداری / ترجمه قرضی، جبران، توصیف، واژه‌سازی موقتی، تعویض، تغییر مقوله دستوری و تخصیص. از آنجا که تعریف و توضیح مولینا و آلبیر درباره تغییر گونه زبانی مبهم است و مثالی روشن‌گر برای آن بیان نکرده تا خواننده بتواند درک درستی از این راهبرد داشته باشد، نگارنده نتوانست مصدق‌ی از آن بیابد.

پاسخ به پرسش های پژوهش

پاسخ ۱: اسپراکمن به ترتیب نزولی از این راهبردها سود برده است: تعمیم، کاهش، معادل جاافتاده، ترجمه لفظی، وام گیری، مشابه سازی، تغییر شیوه بیان و شرح و بسط زبانی. شرح و بسط و فشرده سازی با ۲/۷ درصد در ذیل قرار گرفته اند.

پاسخ ۲: پرکاربردترین راهبردهای اسپراکمن تعمیم، معادل جاافتاده و ترجمه لفظی است. به دلایلی که در بالا اشاره شد، راهبرد کاهش یا حذف را که تعدادشان زیاد هم هست، در اینجا در نظر نمی گیریم.

پاسخ ۳: موفقیت در کاربرد راهبردی خاص در واقع به متن، گونه زبانی، موقعیت، هدف، مخاطب و خود عنصر فرهنگی مورد نظر بستگی دارد. در داده های پژوهشی ما از میان راهبردهایی که برای برگردان اقلام گوناگون فرهنگی به کار رفته اند، به ضرس قاطع نمی توان گفت کدام بهترین ابزار ترجمه عناصر فرهنگی است و کدام نیست.

بحث

در پژوهش حاضر ۷۴ عنصر فرهنگی ایرانی. اسلامی از کتاب داستان های شهر جنگی انتخاب شد. سپس ترجمه های آنها استخراج و راهبردهای مورد استفاده مترجم مشخص شد. همان طور که پیش از این اشاره شد، ترجمه عناصر فرهنگی از جمله دشواری های پیش روی مترجمان به ویژه در برگردان آثار ادبی است و این کتاب نیز تعداد نسبتاً زیادی از آنها را دارد.

مترجم توفیق چندانی در کارش نداشته و بیشتر از راهبرد تعمیم و حذف (نابجا) استفاده کرده است. راهبرد معادل جاافتاده که امکان برقراری هر چه بیشتر ارتباط فرهنگی را فراهم می آورد و در داده ها در درجه سوم بسامدی قرار دارد، روش مناسبی به نظر می رسد. وفور ترجمه غلط (۱۷/۵۶ درصد) معنادار و قابل تأمل است. اگر آمار ۱۷/۵۶ درصد ترجمه غلط را با آمار ۱۷/۵۶ درصدی کاهش و حذف جمع ببندیم، به رقم معنادار ۲۸/۱۲ درصد می رسیم که نشان از ضعف یا کم دقتی مترجم دارد.

توضیح در پانویس و پی نویس درباره اقلام فرهنگی به ویژه آنهایی که نقش مهمی در سیر داستان یا شکل گیری متن دارند لازم است. پانویس و پی نویس یا دادن توضیحاتی در مقدمه مترجم یا واژه نامه آخر کتاب از راهبردهایی است که در بیشتر الگوها و مدل های ترجمه به آنها اشاره می شود. اسپراکمن هیچ پانویس و پی نویسی ندارد. این گونه توضیحات مترجمان گاهی درون متن ترجمه ارائه می شود. اسپراکمن چنین کاری هم نکرده و در نتیجه خواننده را از درک ظرایف فرهنگی متن اصلی محروم کرده است. راهبردهای پیرسامد اسپراکمن مانند تعمیم، کاهش، حذف و ترجمه لفظی باعث شده است تا بسیاری از ویژگی های فرهنگی متن اصلی از آن زدوده شود و متن از نظر شمول بر عناصر فرهنگی حالت نسبتاً خنثایی پیدا کند و تا حدودی طبق آنچه لارنس ونوتی (۱۹۹۵) می گوید،

«بومی سازی یا غرابت زدایی» شود. این مفهوم ونوتی عبارت است از: «تولید ترجمه به سبکی روان و شفاف و زدودن هر گونه غرابت و عنصر بیگانه» در مقابل «بیگانه سازی یا آشنایی زدایی» که عبارت است از: «ترجمه به گونه ای که ویژگی های متن مبدأ در متن مقصد عیان باشد با حفظ غرابت متن اصلی [...] و بازتاب دادن هنجارهای زبان و فرهنگ مبدأ و خاطر نشان کردن این نکته به خواننده که دارد متن ترجمه شده را می خواند».

مشابه سازی، یعنی جانشین کردن عنصر زبان مبدأ با عنصری از فرهنگ مقصد بر اساس شباهت های نزدیک بین آنها راهبردی است که معمولاً نتیجه مطلوبی به دست می دهد، اما نیاز به گذر زمان برای تثبیت آن معادل در زبان مقصد دارد. چه بسا بسیاری از مسلمانان و نومسلمان در آغاز کاربرد واژه فارسی نماز به جای صلوة و روزه به جای صوم با این کار موافق نبودند، ولی این دو واژه به تدریج جای خود را در فارسی باز کردند. مشابه سازی با ۶/۷۵ درصد وقوع اگرچه در ترجمه اسپراکمن کمتر به کار رفته، راهبردی است که مترجمان باید توجه بیشتری به آن داشته باشند.

نتیجه گیری

آشنایی هر چه بیشتر مترجم با عناصر فرهنگی، ویژگی ها، راهبردها و زیروبم های ترجمه آنها به بهبود کارش کمک می کند و پژوهشگر ترجمه هم از این مباحث سود می برد. اگرچه ترجمه پژوهان زیادی در این مباحث قلم زده اند، به نظر می رسد هنوز هم به دسته بندی های جامع تری نیاز داریم تا بتوانیم این پدیده را بهتر و دقیق تر توصیف کنیم.

نیومارک (۱۹۸۸) از راهبرد ترکیبی یا دوگانه صحبت کرده و بعدها دیگران به راهبرد ترکیبی سه گانه هم اشاره کرده اند. وقتی مترجم از دو یا سه راهبرد برای حل یک مشکل در برگردان عناصر فرهنگی سود می برد، از این روش ها استفاده کرده است. بنابراین در مواردی مثل تبدیل مولانا به Rumi به دو راهبرد (وام گیری + معادل جاافتاده) اشاره کرده ایم و بهتر می بود اگر الگوی مولینا و آبر شامل این راهبرد نیز می شد.

به نظر می رسد در پژوهش درباره ترجمه عناصر فرهنگی استفاده از الگو و مدل و نظریه واحدی کافی نباشد؛ چراکه هر پژوهشگری با پیشینه زبانی، فرهنگی و تحقیقاتی ای که دارد، مواردی را برجسته می کند و از مواردی غافل می ماند. بنابراین بهتر است از چند الگو و مدل استفاده شود تا اگر الگویی به یک مسئله ترجمه ای نپرداخته یا از توصیف مسئله ای عاجز بود، بتوان از ابزار مفهومی الگوهای دیگر هم سود برد.

عناصر فرهنگی خاص زبان و جامعه علاوه بر متون ادبی به وفور در متون دینی، فیلم ها، پروشورهای تبلیغات کالا و متن های توریستی نیز دیده می شود. در کنار مطالعه آثار ادبی و مشهور می توان این

متون را هم از نظر ترجمه عناصر فرهنگی بررسی کرد تا به تصویر جامعی از روش ها، فنون و تمهیدهای برگردان این اقلام دست یافت و کاربرد الگوی خاصی مانند مولینا و آلبیر، نیومارک، آیکسلا، پیم و دیگران را به محک آزمون گذاشت.

گرچه در این پژوهش، عناصر فرهنگی کتاب داستانهای شهر جنگی دسته بندی نشده، اما طبقه بندی پنج گانه نیومارک (۱۹۸۸) کافی و جامع و مانع نیست و به رده بندی های دقیق تر و مفصل تری نیاز داریم.

کتابنامه

- احمدزاده، حبیب؛ داستان های شهر جنگی؛ تهران: حوزه هنری، ۱۳۹۰.
- امامی، کریم؛ از پست و بلند ترجمه؛ ج ۲، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۲-۱۳۸۵.
- باطنی، محمدرضا؛ زبان و تفکر؛ تهران: آگه، ۱۳۷۳.
- جعفری، محمدرضا؛ فرهنگ فشرده نشر نو؛ انگلیسی-فارسی. تهران: نشر نو، ۱۳۹۵.
- خرمشاهی، بهاء الدین؛ ترجمه کاوی؛ تهران: ناهید، ۱۳۹۰.
- صدری افشار و همکاران؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۶.
- صلح جو، علی؛ گفتمان و ترجمه؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
- طباطبایی، محمد؛ «روش های مقابله زبان فارسی با واژه های علمی»؛ زبان فارسی، زبان علم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۷۱-۲۲۶، ۱۳۶۵.
- لطفی پور، کاظم؛ درآمدی به اصول و روش ترجمه؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- هاشمی میناباد، حسن؛ آموزش ترجمه؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۴.
- _____؛ گفتارهای نظری و تجربی در ترجمه؛ تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۶ الف.
- _____؛ «ابزارهای مفهومی نقد ترجمه (۲)؛ فنون و راهبردها، تکنیک ها و تاکتیک ها»؛ نقد کتاب ادبیات؛ ۱۳۹۶، ب، س ۳، ش ۱۲، ص ۲۴۷-۲۶۸.

Ahmadzadeh, H., *A City under Siege*, Costa Mesa: Mazda Publishers, 2010.

Aixela, Xavier Franco, "Culture-specific items in translation", Alvarez, R. and M. Carmen-Africa Vidal (eds.), *Translation, Power and Subversion*, Clevedon: Multilingual Matters, 1996. p. 52-78.

Baker, M. (2011) *In Other Words: A Course Book on Translation*, London and New York: Routledge.

Baker, M., Saldanha, G., *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*, Third edition, 2020, Routledge, London and New York.

Catford, J. C., *A Linguistic Theory of Translation*, 1965, Longman, London.

Chesterman, A., *Memes of translation*, 2nd ed, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins, 2000.

Delisle, J. and J. Woodsworth (eds) *Translators through History*, second edition, 2012, Amsterdam: John Benjamins.

Durdureanu, Ioana Irina, "Translation of cultural terms: possible or impossible?", *JoLIE*, 4, 2011, p. 51-63.

Gentzler, E, *Contemporary Translation Theories*, Clevedon: Multilingual Matters, 2001.

Glenny, W. Edward, *Finding Meaning in the Text: Translation Technique and Theology in the Septuagint of Amos*, Boston: Leiden, 2009.

Guerra, Ana Fernández, "Translating culture: problems, strategies and practical realities", *A Journal of Literature, Culture and Literary Translation*, Vol. 3, No 1, 2012, p. 1-27.

Kearns, John. "Strategies" In *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*, edited by Mona Baker and Gabriela Sal-

- danha, London and New York: Routledge, 2009.
- Larson, M. L. *Meaning-Based Translation: A Guide to Cross-Language Equivalence*, 2nd edition, New York and Oxford: University Press of America, 1997.
- Malone, Joseph L., *The Science of Linguistics in the Art of Translation*. Albany: State University of New York Press, 1988.
- Mason, I., 'Techniques of translation revised: a text linguistic review of borrowing and modulation' in A. Hurtado Albir (ed.) *Estudis sobre la Traducció, Col. Estudis sobre la Traducció*, 1994, vol. 1, Universitat Jaume I, 61-72.
- Molina, L. and A. H. Albir (2002) "Translation Techniques Revisited: A Dynamic and Functionalist Approach", *Meta*, 2002 XLVII, IV, p. 498-512.
- Muñoz Martín, Ricardo, "Translation Strategies: Somewhere over the Rainbow." In *Investigating Translation*, edited by Allison Beeby, Doris Ensinger, and Marisa Presas, 129-140. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, 2000.
- Newmark, P., *A textbook of translation*, London: Prentice Hall, 1988.
- Nida, E. A., *Toward a Science of Translating with Special Reference to Principles and Procedures Involved in Bible Translating*, Leiden: E.J. Brill, 1964.
- and Taber, C. A. *The Theory and Practice of Translating*, Leiden: E.J. Brill, 1969.
- Pedersen, Jan. "How Is Culture Rendered in Subtitles?" In *Proceedings from MuTra 2005: Challenges of Multidimensional Translation*, Saarbrücken, 2005, p.1-18.
- Pedersen, Jan, Cultural Interchangeability: The Effects of Substituting Cultural References in Subtitling, *Perspectives*, 2007, Vo15, p.30-48.
- Pym, Anthony, *Exploring Translation Theories*. London and New York: Routledge, 2014.
- Pym, A., *Translation Solutions for Many Languages Histories of a Flawed Dream*, London: Bloomsbury Academic, 2016.
- Reis, K. and H.J. Vermeer *Towards a General Theory of Translational Action: Skopos theory explained*, translated by Christiane Nord, London & New York: Routledge, 2014.
- Sprachman, Paul, *A City Under Siege*, by Habib Ahmadzadeh, Costa Mesa: Mazda Publishers, 2010.
- Lawrence, Venuti, *The Translator's Invisibility: A History of Translation*, London and New York: Routledge, 1995.
- Vinay, Jean-Paul and Jean Darbelnet, *Comparative Stylistics of French and English: A Methodology for Translation*, translated and edited by Juan C. Sager and Marie-Jo Hamel, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins, [1958] 1995.

پیوست

جدول عناصر فرهنگی داستانهای شهر جنگی، ترجمه ها و راهبردهای ترجمه های اسپراکمن

| صفحه فارسی | عناصر فرهنگی متن اصلی | صفحه ترجمه | ترجمه اسپراکمن | راهبرد اسپراکمن |
|------------|----------------------------------|------------|---------------------|----------------------------|
| ۵ | (تاریخ تولد و وفات ناصر خسرو) | ۳ | 1004-1077 | شرح و بسط |
| ۱۲ | سوغاتی | ۶ | souvenir | معادل جاافتاده |
| ۱۲ | دوستان | ۶ | comrades | معادل جاافتاده |
| ۱۷ | عمه | ۱۰ | my mother's sister | معادل جاافتاده + ترجمه غلط |
| ۱۷ | آن دو پسر عمه | ۱۰ | those two boys | کاهش |
| ۱۸ | دعای من این است | ۱۱ | I hope | تعمیم |
| ۲۵ | شیخ نشین ها | ۱۴ | the Emirates | معادل جاافتاده |
| ۲۷ | عرق خور | ۱۶ | drinker | تعمیم |
| ۲۷ | نجسی خوردن | ۱۶ | to drink | تعمیم |
| ۲۷ | قنطاق | ۱۶ | the cradle | مشابه سازی |
| ۲۷ | فحش و ناسزای ناموسی | ۱۶ | horrible swearing | تعمیم |
| ۲۸ | رفیق من | ۱۷ | this is my family | ترجمه غلط |
| ۲۹ | غیبت میشه | ۱۸ | ∅ | کاهش |
| ۳۰ | کوفت و زهرماری | ۱۹ | alcohol | تعمیم |
| ۳۲ | اذان | ۲۱ | the call for prayer | معادل جاافتاده |
| ۳۳ | اذان | ۲۱ | the call | فشرده سازی زبانی |
| ۳۳ | پاهای نجس | ۲۱ | filthy feet | تعمیم |
| ۳۴ | مولانا | ۲۳-۳۱ | Rumi | وام گیری + معادل جاافتاده |
| ۳۷ | مستجاب شدن | ۲۳ | come true in spade | تعمیم |
| ۳۸ | آقا جمشید | ۲۴ | Mr. Jamsheed | ترجمه لفظی |
| ۳۹ | شهادا | ۲۵ | the casualties | تعمیم |
| ۴۰ | دعای شکر خوردن | ۲۵ | to be thankful for | تعمیم |
| ۴۰ | ان شاء الله | ۲۵ | God willing | معادل جاافتاده |
| ۴۰ | یک بسیجی | ۲۶ | a paramilitary | تغییر شیوه بیان |

| صفحه فارسی | عناصر فرهنگی متن اصلی | صفحه ترجمه | ترجمه اسپراکمن | راهبرد اسپراکمن |
|------------|--|------------|--------------------------------|---------------------------|
| ۴۱ | شهید شدن | ۲۷ | to be martyred | معادل جاافتاده |
| ۴۱ | بنده خدا | ۲۷ | a beggar | ترجمه غلط |
| ۴۲ | جهاد سازندگی | ۲۷ | the construction corps | ترجمه لفظی |
| ۴۶ | ∅ | ۳۱ | Rumi | وام گیری + معادل جاافتاده |
| ۴۹ | عمو (در خطاب مهربانانه بزرگ تر به کوچک تر) | ۳۱ | ∅ | کاهش |
| ۵۰ | عمو (در خطاب مهربانانه بزرگ تر به کوچک تر) | ۳۲ | son | مشابه سازی |
| ۵۱ | توکلت علی الله | ۳۳ | put your trust in the almighty | ترجمه لفظی |
| ۵۱ | داشم (= داداشم) | ۳۳ | ∅ | کاهش |
| ۵۲ | یاجوج و ماجوج | ۳۴ | monsters | تعمیم |
| ۵۳ | عمو | ۳۵ | uncle | معادل جاافتاده |
| ۵۸ | تطهیر کردن | ۳۹ | to clean | تعمیم |
| ۶۰ | طهارت | ۴۱ | cleaning | تعمیم |
| ۶۰ | نفس (= هوای نفس) | ۴۱ | instinct | ترجمه غلط |
| ۶۵ | چفیه | ۴۳ | kaffiyeh | وام گیری |
| ۶۶ | سفره | ۴۳ | table cloth | معادل جاافتاده |
| ۶۶ | آش | ۴۴ | stew | مشابه سازی |
| ۶۶ | چادر (= پوشش زنان) | ۴۴ | chador | وام گیری |
| ۶۷ | سفره عقد | ۴۴ | engagement party | مشابه سازی |
| ۶۷ | هم محله ای | ۴۵ | neighbor | تعمیم |
| ۶۷ | به خانه بخت رفتن | ۴۵ | be got married | تعمیم |
| ۶۸ | آقامهندس | ۴۵ | ∅ the engineer | کاهش |
| ۶۹ | آقامهندس | ۴۹ | Mr. Engineer | ترجمه لفظی |
| ۶۹ | غیرت کسی قبول نکردن | ۴۶ | the wound to someone's pride | ترجمه غلط |
| ۷۰ | بسیجی | ۴۷ | Basiji | وام گیری |

| صفحه فارسی | عناصر فرهنگی متن اصلی | صفحه ترجمه | ترجمه اسپراکمن | راهبرد اسپراکمن |
|------------|---------------------------|------------|-----------------------------------|-----------------------------|
| ۷۰ | نارفتیق | ۴۸ | non-friend | ترجمه غلط + ترجمه لفظی |
| ۷۰ | بچه محل | ۴۸ | a boy from neighborhood | شرح و بسط زبانی |
| ۷۰ | انا الیه الراجعون | ۴۸ | resquiat in peace | ترجمه غلط + مشابه سازی |
| ۷۰ | ماشاء الله | ۴۸ | ∅ | کاهش |
| ۷۲ | رفاقت | ۵۰ | being friends | ترجمه غلط + ترجمه لفظی |
| ۷۲ | استخاره | ۵۰ | resort to hocus-pocus | ترجمه غلط + شرح و بسط زبانی |
| ۷۲ | نارفتیق | ۵۰ | not being your ally in this | ترجمه غلط + شرح و بسط زبانی |
| ۷۲ | سنگ صبور | ۵۰ | a patient and dependable listener | شرح و بسط |
| ۷۳ | مأموریت نذری | ۵۰ | charity stay at the front | ترجمه غلط + شرح و بسط |
| ۷۴ | ناموس | ۵۲ | ∅ | کاهش |
| ۷۶ | شرم دخترانه | ۵۳ | girlish embarrassment | ترجمه غلط + ترجمه لفظی |
| ۷۹ | خدمت (در عنوان نامه) | ۵۵ | ∅ | کاهش |
| ۷۹ | سلام علیکم | ۵۵ | greetings | معادل جاافتاده |
| ۸۰ | مهرماه سال ۱۳۶۰ هجری شمسی | ۵۵ | ۲۸ September ۱۹۸۱ | تغییر شیوه بیان |
| ۸۵ | برادران | ۶۰ | fellows | تغییر شیوه بیان |
| ۸۹ | کوی | ۶۰ | Kuy | وام گیری |
| ۹۱ | سپاه (پاسداران انقلاب) | ۶۲ | ∅ | کاهش |
| ۹۱ | مقر سپاه | ۶۳ | the ∅ base | کاهش |
| ۹۱ | همچون حُر | ۶۳ | as with Horr | وام گیری |
| ۹۲ | مستضعف | ۶۳ | the deprived | ترجمه لفظی |
| ۹۲ | حضرت روح الله | ۶۳ | His Excellency Ruhollah | تغییر شیوه بیان |
| ۹۲ | سپاه (پاسداران انقلاب) | ۶۴ | ∅ | کاهش |

| صفحه فارسی | عنصر فرهنگی متن اصلی | صفحه ترجمه | ترجمه اسپراکمن | راهبرد اسپراکمن |
|------------|---|------------|-----------------------------------|------------------------|
| ۹۲ | برادر حسن بنادری (در خطاب و اشاره مذهبیون) | ۶۴ | ∅ Hasan Banaderi | کاهش |
| ۹۳ | آبان ماه | ۶۴ | ∅ | کاهش |
| ۶۶ | شرم توی چشم هایش | ۴۴ | that embarrassment in her eyes | ترجمه غلط + ترجمه لفظی |
| ۶۶ | شرم توی چشم هایش | ۴۴ | that look | فشرده سازی |